

An Analysis of Legal and Status Inequality in Women's Employment from the Perspective of Ayatollah Javadi Amoli

Mahmoud Karimi Benadkooki¹, Hasan Akhbari², Mehdi Hamzehpoor³

1. Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Imam Sadiq University, Tehran, Iran Email: karimii@isu.ac.ir

2. PhD Candidate in Qur'anic Sciences and Hadith, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Email: 118a.hasan@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Decision Sciences and Complex Systems, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran Email: m.hamzehpoor@isu.ac.ir

Research Article



Abstract

The issue of legal and status inequalities affecting women—one of the current social concerns in Iranian society—results from the lack of a precise articulation of the Islamic perspective on anthropology and ontology. An inadequate understanding of the stations of women and men, their assigned responsibilities, and their respective roles within the cosmic order has led to the assumption of inequality in the domain of employment. Accordingly, this article examines the views of a contemporary theologian who adopts a maximalist approach to religion, employing thematic analysis as its methodological framework. The thematic network derived from Javadi Amoli's works indicates that, in his view, what distinguishes individuals are the perfections pertaining to the soul, which are shared between men and women and are referred to in this study as the overarching theme of "virtues." By contrast, what is presumed to constitute inequality between men and women pertains to the contingencies of worldly life and aligns with divine wisdom aimed at ensuring the proper functioning of life in this world. These matters do not, therefore, generate legal or status disparities between the two sexes and are categorized under the overarching theme of "tasks." Consequently, not only do both groups share the capacity for attaining genuine perfections, but they also possess common rights in many employment-related matters.

Keywords: Legal and status inequalities; Women's rights; Gender segregation; Women's employment; Ayatollah Javadi Amoli

Received: 2025-06-30 | Received in revised form: 2025-10-20 | Accepted: 2025-11-02 | Published online: 2025-12-22

◆ **How to cite:** Karimi Benadkooki, Mahmoud, Akhbari, Hasan, Hamzehpoor, Mehdi (1404SH): An Analysis of Legal and Status Inequality in Women's Employment from the Perspective of Ayatollah Javadi Amoli, Quran and social sciences, 4(20), p70-103, 10.22034/arq.2025.242439

©2025. Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education
arq.quran.ac.ir



تحلیل مسئله نابرابری حقوقی و منزلتی در اشتغال زنان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

محمود کریمی بنادکوی^۱، حسن اخباری^۲، مهدی حمزه‌پور^۳

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، karimii@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) 118a.hasan@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم تصمیم و سیستم های پیچیده، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران،
m.hamzehpoor@isu.ac.ir

پژوهشی



چکیده

مسئله نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان به‌عنوان یکی از مسائل روز جامعه ایرانی، محصول عدم تبیین دقیق دیدگاه اسلامی در باب انسان‌شناسی و هستی‌شناسی است. عدم شناخت صحیح از جایگاه زن و مرد و وظایف محوله و نقش‌های هر یک در نظام هستی، موجب ایجاد فرضیه نابرابری در حوزه اشتغال شده است؛ از این‌رو در این مقاله دیدگاه یکی از متألّهان معاصر که نگاه حداکثری به دین دارد، با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد مطالعه قرار گرفت. تحلیل شبکه مضامین موجود در آثار جوادی آملی نشان‌دهنده آن است که در دیدگاه ایشان آنچه موجب تمایز افراد می‌شود، همانا کمالات مرتبط با روح بوده که بین زن و مرد مشترک است و در این پژوهش تحت عنوان مضمون فراگیر «فضائل» از آن یادشده است و آنچه مفروض نابرابری بین زن و مرد است، مربوط به اقتضائات حیات دنیوی و متناسب با حکمت الهی مبنی بر جریان یافتن صحیح زندگی در این دنیاست و موجب اختلاف حقوقی و منزلتی این دو نخواهد بود و تحت عنوان مضمون فراگیر «مشاغل» جایابی شده است؛ لذا این دو صنف علاوه بر آنکه در امکان تحصیل کمالات حقیقی مشترک‌اند؛ در بسیاری از امور مربوط به اشتغال نیز دارای حق مشترک هستند.

کلیدواژه‌ها: نابرابری‌های حقوقی و منزلتی، حقوق زنان، تفکیک جنسیتی، اشتغال زنان، آیت‌الله جوادی آملی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

◆ **استناد به این مقاله:** کریمی بنادکوی، محمود؛ اخباری، حسن؛ حمزه پور، مهدی (۱۴۰۴): (تحلیل مسئله نابرابری حقوقی و منزلتی در اشتغال زنان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی)، قرآن و علوم اجتماعی، ۴(۲۰)، ۷۰-۱۰۳. [10.22034/arq.2025.242439](https://doi.org/10.22034/arq.2025.242439)

۱. مقدمه و بیان مسئله

ظهور اسلام در زمان جاهلیت و تشریح احکام مختلف در تمام عرصه‌های زندگی باعث شد رویکرد جدیدی از انسان‌شناسی بر مبنای توحید به جهانیان معرفی شود. در این دیدگاه جنسیت ملاک تقسیم وظایف و نقش‌های فردی و اجتماعی نیست بلکه حکمت بالغه خداوند اقتضا دارد که امورات زندگی فردی و اجتماعی انسان، متناسب با ساختمان بدنی او و نیازهای بیرونی بین زن و مرد تقسیم شود. همچنین در رابطه انسان با خداوند، وجود نفس انسانی مشترک بین زن و مرد، بدون آنکه تفاوتی در تحصیل کمالات داشته باشند، بیانگر آن است که در عرصه کمالات حقیقی، انسان فارغ از جنسیت خود مدنظر است و امکان رشد برای هر دو به صورت برابر وجود دارد. بدین خاطر است که در اکثر خطابات قرآنی فرقی بین زن و مرد وجود نداشته و انسان بماهو انسان مورد خطاب^۱ است.

نقش بی‌بدیل زن در تشکیل، تداوم و استحکام کوچک‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی یعنی «خانواده» انکارناشدنی است. آیت‌الله جوادی معتقدند «زن و مرد بی‌هیچ تفاوتی دو رکن سازنده نسب هستند و فرزند همان‌گونه که به پدر و جد و جده پدری منسوب است، به مادر و جد و جده مادری انتساب دارد، بنابراین پدر و مادر دو عنصر اصلی تأسیس نسب و خانواده‌اند. ارتباط حقیقی افراد با یکدیگر از طریق ولادت و رحامت است و با همین ارتباط، خانواده، تیره و طایفه، قبیله، ملت، قوم و جامعه شکل می‌گیرند و سرچشمه‌ای برای آداب‌ورسوم و سنت و فرهنگ ملل می‌شوند» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۲۶۶). همچنین ایشان در نحوه ارتباط خانواده و جامعه معتقدند «از پربرکت‌ترین رهاوردهای دین، احترام، استحکام و صیانت خانواده است. جامعه وقتی ساخته می‌شود که خانواده ساخته شود» (همان: ۲۶۴). همین نقش مؤثر و سازنده زن در تشکیل خانواده و سلامت جامعه، به‌خصوص در عصر حاضر به یکی از وجوه

۱. رک: نساء: ۱، بقره: ۲۱، بقره: ۱۶۸، یونس: ۵۷، حج: ۱، حج: ۵، حجرات: ۱۳، فاطر: ۱۵، اعراف: ۲۶ و ۲۷ و ۳۱، یس: ۶۰، انفطار: ۶، انشقاق: ۶، بلد: ۴، علق: ۶.

اصلی تقابل تمدنی تبدیل شده است. جایی که تفاوت نگاه به زن در اسلام و تمدن غرب باعث اختلاف معناداری در سبک زندگی شده و در سال‌های اخیر محل چالش میان دو تمدن است. تحلیل و تحدید این نقاط می‌تواند مرزبندی روشنی بین دیدگاه‌ها نمایان سازد.

از طرفی در بین اندیشمندان اسلامی از آغاز اسلام تا زمان حاضر، اختلافات پررنگی در تلقی از منابع دین وجود داشته است. برخی تعالیم دین را در زندگی فردی افراد منحصر کرده و معتقدند اسلام حاوی دستوراتی برای سعادت اخروی بشر است (سروش، بی‌تا: ۳۹۰؛ مجتهد شبستری، ۱۳۷۴: ۱۲۹). در طرف دیگر گروهی معتقدند دین اسلام، نه صرفاً به دنبال سعادت اخروی بشر، بلکه درصدد ساختن دنیایی بر اساس تعالیم الهی است تا بشر در پرتو حیات در چنین فضایی به نقطه مطلوب که همان سعادت اخروی است، برسد (مطهری، بی‌تا: ۲۰-۱۷؛ خسروپناه، ۱۳۸۲، ۱: ۱۱۳)؛ در نتیجه گروه دوم با حضور فعالانه و کنشگر سعی در عرضه مشکلات و مسائل فردی و اجتماعی خود به ساحت دین و منابع آن دارند. این افراد درصدد ساختن جامعه‌ای مطلوب هستند که مؤلفه‌های آن برگرفته از تعالیم دین و قرآن کریم است. برخلاف عده‌ای که نقش دین را به حیات فردی بشر تقلیل داده و منفعلانه در برابر قرآن کریم صرفاً به دستورات اخلاقی آن بسنده می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی از جمله الهی‌دانان اجتماعی است که نگاه حداکثری به دین داشته و سعی در حل مسائل اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی دارند. ایشان به‌عنوان یک شخصیت جامع علمی، در علوم مختلفی همچون تفسیر، فقه، اصول، کلام، علوم مربوط به حدیث، فلسفه و عرفان صاحب نظر و صاحب تألیف است. همین ویژگی باعث ضرورت مطالعه شخصیت زن در آثار ایشان به‌صورت جامع می‌شود؛ چراکه باوجود چنین جامعیتی، ایشان به سراغ حل مسائل اجتماعی یا کشف دیدگاه اسلامی در موضوعات مختلف می‌روند.

همچنین انبوه شبهات و تهاجمات فرهنگی تمدن غرب در این رابطه به ساحت سیاست و اجتماع جامعه ایرانی وارد شده و برون‌داد چندساله آن موجب تلاطم

جامعه ایرانی شده است. لزوم تبیین و تحلیل کلی جایگاه زن در اسلام و پاسخ به شبهات فراوان در این رابطه در زمان حاضر یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و کمک شایانی به نظام جمهوری اسلامی در مواجهه تمدنی خویش با تمدن غربی در موضوع زن خواهد بود. یکی از شبهات دامنه‌داری که دارای سابقه فراوانی است، ادعای تفاوت حقوقی و منزلتی زنان و مردان در مسئله اشتغال است. تکیه اصلی این شبهات بر به‌کارگیری مردان در امور و مناصب اجرایی همچون مقام رسالت، منصب قضا، جایگاه مرجعیت، مدیریت‌های کلان و... و محرومیت زنان از این مناصب است که می‌توان ردپایی از آنان در روایات نیز یافت (سیوطی، بی‌تا، ۲: ۵۱۸).

فاطمه مرنسی، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز فمینیست مراکشی، در آثار خود به نقد تاریخی و جامعه‌شناختی نابرابری‌های جنسیتی در اسلام می‌پردازد. او در کتاب خود با عنوان *زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش*^۱ با تحلیلی انتقادی از روایات فقهی، به‌ویژه حدیث «لَنْ يَفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۶: ۸)، به موضوع منع زنان از مناصب سیاسی و رهبری می‌پردازد (مرنسی، ۱۳۷۰: ۲۳۵).

لیلا احمد، پژوهشگر مصری-آمریکایی، در کتاب مهم خود با عنوان *زنان و جنسیت در اسلام: ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*^۲ به تحلیل موانع فقهی و فرهنگی پیش‌روی زنان می‌پردازد. نقطه اتکا اصلی او در این کتاب محدودیت‌های اعمال‌شده بر زنان، از جمله منع از تصدی مناصبی چون قضاوت است (احمد، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

اسما بارلاس، نظریه‌پرداز پاکستانی-آمریکایی، با اتخاذ رویکردی هرمنوتیکی در کتاب خود با عنوان *زنان مؤمن در اسلام*^۳ به بازخوانی تفاسیر سنتی قرآن می‌پردازد. او به‌طور مستقیم به نقد قرائت‌های مردسالارانه از آیات کلیدی، از جمله آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، می‌پردازد و استدلال می‌کند که

1. The Veil and the Male Elite.

2. Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate.

3. Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur'an.

معنای «قومون»، برتری و سلطه مردانه نیست، بلکه مسئولیت آن‌ها در حمایت از زنان است (بارلاس، ۲۰۰۲ م: ۳۶۸).

این کتب و دیگر آثار مرتبط در این زمینه بر یک نقطه مشترک تمرکز کرده و آن ادعای تفاوت حقوقی و منزلتی زنان در زمینه اشتغال است که ریشه اصلی آن در به‌کارگیری مردان در برخی از مناصب اجرایی و مدیریت‌های کلان و فرض محرومیت زنان از تصدی چنین مشاغلی است. شبهه‌ای که در زمان حاضر نیز در جامعه ایرانی وجود داشته و ضرورت دارد با نگاهی جامع و متقن به منابع دینی به آن پاسخ داده شود؛ بنابراین به‌طور خاص سؤال این مقاله آن است که کیفیت مواجهه آیت‌الله جوادی آملی با مسئله نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال چیست.

۲. پیشینه

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته بر روی آثار آیت‌الله جوادی آملی نشان می‌دهد که موضوعات مرتبط با زنان در قالب پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی موردتوجه قرار گرفته و می‌توان آن‌ها را در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد.

بررسی ماهیت و جایگاه زن: این دسته از تحقیقات به تحلیل مبانی هستی‌شناختی و کلامی جایگاه زن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پایان‌نامه‌های امینی (۱۳۹۷) با عنوان «سرشت زن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، نتایج و پیامدهای آن» با تمرکز بر سرشت زن و پیامدهای آن و افضلی (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی و تحلیل کلامی جایگاه زن از دیدگاه جوادی آملی و محمد غزالی» که به مقایسه کلامی جایگاه زن از دیدگاه ایشان و محمد غزالی می‌پردازد، اشاره کرد. همچنین، پایان‌نامه براریان (۱۳۹۵) با عنوان «شخصیت‌شناسی زن با رویکرد تطبیقی در تفسیر مخزن العرفان و تسنیم» به شخصیت‌شناسی زن در تفسیرهای مختلف، از جمله تسنیم می‌پردازد. نقش‌ها و حقوق اجتماعی زن: این بخش از پژوهش‌ها به تحلیل نقش زن در دو حوزه خانواده و اجتماع، بر مبنای آرای آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد. در این

زمینه، پایان‌نامه‌های هاشمی نسب (۱۴۰۱) با عنوان «نقش حقوقی زن در تعالی خانواده از منظر علامه طباطبایی (ره) و آیت‌الله جوادی آملی» با تمرکز بر نقش حقوقی زن در خانواده و مقایسه آن با دیدگاه علامه طباطبایی و عسلی نژاد (۱۴۰۱) با عنوان «تحلیل و بررسی جایگاه زن در خانواده و اجتماع از منظر علامه جوادی آملی و سید قطب» که جایگاه زن در خانواده و اجتماع را با آرای سید قطب مقایسه می‌کند، حائز اهمیت هستند. مقاله دیانی دردشتی (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی و سید قطب» نیز به بررسی تطبیقی اشتغال زنان با نگاهی به آرای ایشان و سید قطب پرداخته است.

هرمنوتیک و تفسیر متون: این تحقیقات بر رویکرد تفسیری و هرمنوتیکی آیت‌الله جوادی آملی در مواجهه با آیات مربوط به زنان متمرکز هستند. در این حوزه، پایان‌نامه خانی (۱۳۹۹) با عنوان «مبانی هرمنوتیکی در تفسیر آیات زنان مورد پژوهی آیت‌الله جوادی آملی و اسما بارلاس» به بررسی مبانی هرمنوتیکی ایشان و مقایسه آن با اسما بارلاس پرداخته است. همچنین مقاله‌های براریان (۱۳۹۸) با عنوان «مطالعه تطبیقی نشوز زن با تکیه بر آیه ۳۴ نساء با نگاه تفسیری بانو امین اصفهانی و آیت‌الله جوادی آملی» و حیدری‌راد (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی تطبیقی شهادت زنان با استناد به آیه ۲۸۲ بقره از دیدگاه مولفان لیدن و تسنیم» به ترتیب به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های ایشان با بانو امین اصفهانی در مورد نشوز زن و با مؤلفان لیدن در مورد شهادت زنان می‌پردازند. مطالعات تطبیقی با سایر متفکران: گروهی از پژوهش‌ها نیز به صورت گسترده‌تر به مقایسه آرای ایشان با دیگر متفکران پرداخته‌اند. برای مثال، پایان‌نامه نرمانی (۱۳۹۷) با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای نظام شخصیتی زن از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله جوادی آملی» به مطالعه تطبیقی نظام شخصیتی زن از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله جوادی آملی و پایان‌نامه صفریان مقدم (۱۳۹۶) «بررسی تطبیقی تربیت زن از دیدگاه روسو و علامه جوادی آملی» به بررسی تطبیقی تربیت زن از دیدگاه روسو و جوادی آملی می‌پردازد. علاوه بر این، مقاله

عیسی‌زاده (۱۳۹۵) با عنوان «مقایسه‌ی آرای آیت‌الله جوادی آملی با آموزه‌های تفسیر نمونه در خصوص جایگاه زن در اسلام» آرای ایشان را با آموزه‌های تفسیر نمونه در خصوص جایگاه زن مقایسه کرده است.

تنها اثر مرتبط در این حوزه، مقاله «بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی و سید قطب»، دیانی دردستی و حسینی میرصفی (۱۳۹۸) با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی، صرفاً بر تفسیر تسنیم و آیات قرآن متمرکز بوده و مدعای اصلی مقاله، اثبات اصل حق اشتغال زنان است نه ادعاهای موجود در زمینه نابرابری حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال. نوآوری این اثر از چند جهت قابل بررسی است. به لحاظ موضوعی، شبهه نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال، در آثار آیت‌الله جوادی آملی فاقد پیشینه مؤثر است. این مقاله مجموعه آثار آیت‌الله جوادی آملی را که بیش از ۲۰۰ مجلد با محتوای قرآنی و فلسفی و فقهی و کلامی است، مدنظر قرار داده که آن را از تک‌سویه بودن خارج می‌کند و ارزیابی دقیق‌تری از دیدگاه آیه الله جوادی در این حوزه ارائه می‌دهد. روش به‌کاررفته در آن تحلیل مضمون است که تاکنون در موضوع زن در آثار ایشان مورداستفاده قرار نگرفته است. نابرابری‌ها در شش محور مرتبط با اشتغال با دقت موردبررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. انتخاب آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان یک متأله جامع که در اکثر علوم دینی همچون فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، عرفان، کلام، حدیث و... دارای تبحر است، جامعیت خاصی به نتایج این پژوهش بخشیده است.

۳. روش تحقیق

تحلیل مضمون^۱ یکی از روش‌های بنیادین و انعطاف‌پذیر در پژوهش‌های کیفی است که فراتر از یک ابزار، به‌عنوان یک روش تحلیلی مستقل و کاربردی شناخته می‌شود. این روش، به‌صورت نظام‌مند به شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای معنایی (تم‌ها) در داده‌های متنی می‌پردازد (کینگ و هوراکس،

۲۰۱۰م: ۱۵۰). هدف اصلی تحلیل مضمون، ارائه تصویری جامع و غنی از داده‌ها از طریق تفسیر و ساختاردهی مفاهیم کلیدی است. این روش راهی است که به بهتر دیده شدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص یا سازمان یا گروه و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی، کمک می‌کند. همچنین روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). تحلیل مضمون به دو شیوه اصلی استقرایی^۱ (پایین به بالا) و قیاسی^۲ (بالا به پایین) قابل اجرا است که هر دو از طریق کدگذاری و دسته‌بندی مضامین عمل می‌کنند.

در حوزه پژوهش، نتایج حاصل از تحقیق توصیفی-تحلیلی و تحقیقات کیفی نظیر تحلیل مضمون، از حیث رویکرد و خروجی با یکدیگر متفاوت‌اند؛ درحالی‌که پژوهش توصیفی-تحلیلی با هدف توصیف دقیق یک پدیده و بررسی روابط میان متغیرهای مشخص، به ارائه آمارهای کمی، نمودارها و تحلیل‌های استنباطی می‌پردازد و درنهایت به این پرسش پاسخ می‌دهد که «چه چیزی هست»، تحلیل مضمون به دنبال فهم عمیق‌تر پدیده مورد مطالعه است. نتیجه این نوع پژوهش کیفی، صرفاً توصیفی آماری نیست بلکه کشف و تبیین الگوهای معنایی، مضامین پنهان و روایت‌های تفسیری از داده‌هاست (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۵). به عبارت دیگر، تحلیل مضمون به جای تمرکز بر «چه چیزی هست»، به پژوهشگر کمک می‌کند تا به «چرا چنین است» دست یابد و با ارائه یک درک غنی و چندوجهی، لایه‌های پنهان مفهوم را آشکار سازد. پژوهش حاضر با اتکا بر این روش، به تحلیل مسئله نابرابری حقوقی و منزلتی زنان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد. بدین منظور و برای به کارگیری روش تحلیل مضمون قیاسی با استفاده از نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فهرستی از مسائل زنان تهیه شد که شامل ۳۱ عنوان مربوط به زنان است. یکی

1. Inductive thematic analysis.
2. deductive thematic analysis.

از مسائل موجود در این لیست، نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان است که خود شامل چندین محور است. محور اول نابرابری‌ها در زمینه حقوق خانواده است. محور دوم نابرابری در قوانین ارث و مالکیت و دیه، محور سوم نابرابری در مشارکت سیاسی و اجتماعی، محور چهارم محدودیت‌های قانونی در زمینه پوشش، محور پنجم محدودیت در تحصیلات و فرصت‌های آموزشی و محور ششم محدودیت‌های حقوقی در زمینه اشتغال و درآمد است. برخی قوانین موجب ایجاد شبهه تبعیض بین زنان و مردان به واسطه وجود برخی تفاوت‌ها در حقوق این افراد است.

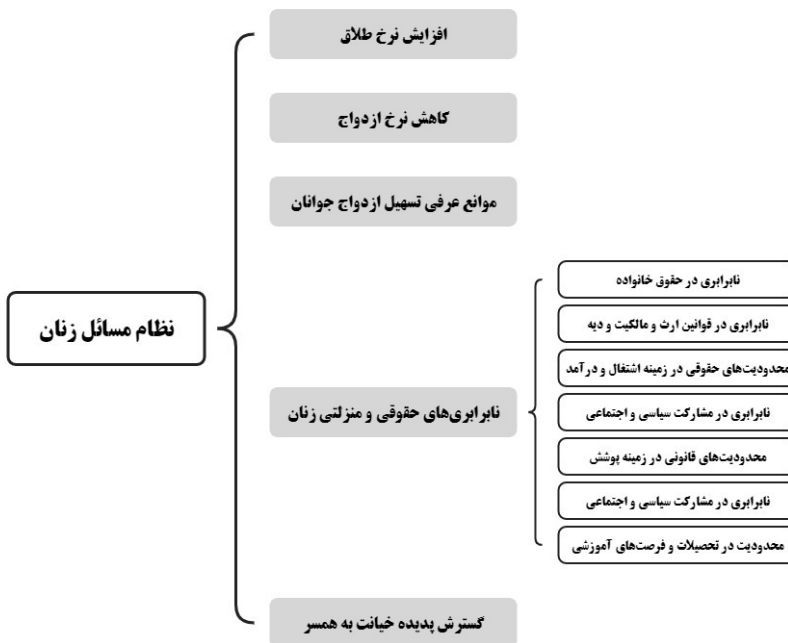
بر اساس آنچه بیان شد چهارچوب بیان‌شده بر اساس نظام مسائل زنان در موضوع نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال، به‌عنوان مبنا و چهارچوب تحلیلی برای فرایند تحلیل مضمون انتخاب‌شده و مضامین پایه ناظر به آن کدگذاری شدند. فرآیند اجرای تحلیل مضمون در این پژوهش، بر اساس گام‌های اساسی ذیل پیاده‌سازی گردید:

توصیف و تجزیه متن (تشخیص مضامین پایه): مضامین پایه کوچک‌ترین واحدهای معنایی هستند که مستقیماً از متن استخراج می‌شوند. در این گام، پس از مطالعه مکرر مطالب نویسنده که مرتبط با موضوع موردبحث است، با تفکیک و تجزیه متن، ۲۲۲ مضمون پایه که کوچک‌ترین واحد معنایی مرتبط با موضوع تحقیق بودند، شناسایی و کدگذاری شدند.

تفسیر، تشریح و توضیح متن (تشخیص مضامین سازمان‌دهنده): مضامین سازمان‌دهنده مفاهیمی انتزاعی‌تر هستند که چندین مضمون پایه مرتبط را در خود جای می‌دهند. در این مرحله، مضامین پایه استخراج‌شده بر اساس ارتباطات مفهومی و مضمونی در قالب‌های مرتبط دسته‌بندی شدند. حاصل این دسته‌بندی، شناسایی و طبقه‌بندی ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده بود. این مضامین شامل «قضاوت، نبوت و رسالت، مرجعیت، فقاہت، اجرائیات، عقل و اندیشه، خانواده، رهبری و مدیریت، اقتصاد، شرعیات و معنویات، عاطفه و تربیت، علم و دانش و اجتماع» می‌باشند.

ترکیب و ادغام متن (تشخیص مضامین فراگیر): مضامین فراگیر بالاترین سطح از انتزاع هستند که مضامین سازمان دهنده را در خود خلاصه می‌کنند و جوهره اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهند. در گام نهایی، مضامین سازمان دهنده در یک سطح انتزاعی‌تر مورد بررسی قرار گرفتند تا به مضامین فراگیر تبدیل شوند. در این مرحله، تمامی مضامین سازمان دهنده ذیل دو مضمون فراگیر و کلیدی «مشاغل» و «فضائل» قرار گرفتند. این دو مضمون فراگیر، بدنه اصلی تحلیل مقاله را شکل می‌دهند؛ و در انتها شبکه مضامین این موضوع ارائه شده است.

نمودار شماره ۱: نظام مسائل زنان



کدگذاری مضامین پایه: گام اول در فرایند تحلیل مضمونی توصیف و تجزیه متن به منظور استخراج مضامین پایه در آن است. محقق برای نیل به این مقصود، باید پس از مطالعه آثار آیت‌الله جوادی آملی و جمع‌آوری متونی که با موضوع مورد بحث ارتباط دارند، به استخراج مضامین پایه بپردازد. این فرایند به گونه‌ای انجام می‌شود که هر مضمون دارای برچسب مفهومی منحصر و وفادار به جمله معنایی مورد بحث باشد. بر این اساس ۲۲۲ مضمون پایه منحصر به فرد در حوزه نایابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال شناسایی و برچسب‌گذاری (کد گذاری) شد.

استخراج مضامین سازمان دهنده: بازخوانی و بازبینی مکرر مضامین پایه ما را به شناخت مضامین سازمان دهنده رهنمون می‌شود. در حقیقت مضامین سازمان دهنده مضامینی هستند که از ترکیب و تلخیص مضامین پایه به دست می‌آیند. عنصر اساسی در این زمینه هنر، تجربه و مخزن دانشی پژوهشگر است تا ارتباط بین مضامین پایه را به درستی تشخیص داده و آن‌ها را ذیل مفهومی واحد جمع‌آوری کند. بر این اساس مجموع ۲۲۲ مضمون پایه ذیل ۱۴ مضمون سازمان دهنده با عناوین «قضاوت، نبوت و رسالت، مرجعیت، فقاہت، ولایت، اجرائیات، عقل و اندیشه، خانواده، رهبری و مدیریت، اقتصاد، شرعیات و معنویات، عاطفه و تربیت، علم و دانش و اجتماع» جای گرفتند. اساس این نوع سازمان دهنده در این تحقیق، جمع‌آوری مضامین با موضوع واحد ذیل مضامین سازمان دهنده است. لازم به ذکر است با توجه به ماهیت گزاره‌های الهیاتی که برخی امور بر برخی دیگر تعلیق می‌شوند، برخی از مضامین پایه ذیل دو عنوان از مضامین سازمان دهنده جای گرفتند. به عنوان مثال مضمون «پشتوانه، ریشه و بهای مرجعیت به فقاہت و اجتهاد و عدالت است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ: ۴۰۳) در دو مضمون سازمان دهنده «فقاہت» و «مرجعیت» سازمان دهی شدند. جدول گزارش کلی از مضامین پایه و سازمان دهنده از قرار زیر است:

جدول شماره ۱: گزارش کلی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	تعداد مضامین پایه
مشاغل	قضاوت	۲۸
	نبوت	۳۹
	مرجعیت	۱۱
	اجرائیات	۴۹
	رهبری و مدیریت	۶
	اقتصاد	۶
جمع کل	۶	۱۳۹
فضائل	ولایت	۲۰
	فقاہت	۶
	عقل و اندیشه	۱۲
	علم و دانش	۷
	شرعیات و معنویات	۲۷
	خانواده	۴
	عاطفه و تربیت	۱۰
	جامعه و اجتماع	۷
جمع کل	۸	۹۳

مجموع مضامین پایه در این بخش ۲۳۲ مضمون است که با حذف مکررات، ۲۲۲ مضمون اختصاصی مشخص شدند.

استخراج مضامین فراگیر: بررسی دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی در باب نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال، در بردارنده دو نقطه اتکای اساسی است. ایشان با تفاوت قائل شدن بین مشاغل به‌عنوان امور اجرایی و فضائل به‌عنوان کمالات نفسانی، آنچه را که باعث تفاوت بین زن و مرد شده از باب مشاغل و امور اجرایی دانسته و منشأ آن را سازگاری با محیط زندگی (دنیا) می‌دانند که جزء امور موقت است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ: ۴۰۳؛ همان، ۱۳۸۸ الف، ۶: ۵۰). درحالی‌که در کمالات و فضائل نفسانی که حقیقی بوده و حتی در عقبی نیز به همراه افراد است، تفاوتی بین زن و مرد نبوده و هر دو در امکان نیل به آن‌ها برابرند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ت: ۸۴؛ همان، ۱۳۸۵، ۳: ۳۵۵؛ همان، ۱۳۸۸ الف، ۳: ۲۷). از این رو تمام مضامین سازمان‌دهنده ذیل دو عنوان کلی «مشاغل» و «فضائل» جانمایی شدند. مبنای این جانمایی آن است که امور اجرایی که گاهی اختصاص به مردان داشته و موهم نابرابری حقوقی و منزلتی در حوزه اشتغال شده است، به تصریح آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان یک شغل تلقی شده و معیار برتری و فضیلت نزد خداوند نیست. از سوی دیگر امکان نیل به کمالات معنوی و نفسانی که وجه امتیاز حقیقی انسان‌ها از یکدیگر خواهد بود، بین زنان و مردان مشترک است و در برخی امور همچون ولایت، فقاقت و... تجلی یافته، در دسته فضائل دسته‌بندی شده است.

نمونه‌ای از مضمون‌یابی سه مرحله‌ای در فرایند تحلیل مضمون به شرح ذیل است:

در جداول کدگذاری هر کتاب با نمایه اختصاصی خود مشخص شده و در قسمت‌های بعد شماره مجلد، شماره صفحه و شماره کد آورده شده است. به‌عنوان مثال در اولین کد از جدول پیش‌رو، حروف «تس» نمایه اختصاصی تفسیر تسنیم بوده که از جلد هجدهم و صفحه یکصد و هفتاد و دوم نقل شده و به شماره کد بیست و هفت کدگذاری شده است.

جدول شماره ۲: جدول نمونه مضمون یابی

کد	متن	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱۸/۱۷۲/۲۷ تس	امروزه شبهات فراوانی از طریق تبلیغات رسانه‌ها به افکار زنان و دختران مسلمان هجوم می‌آورند که دانستن پاسخ آن‌ها بر آنان لازم است، از این رو گاهی باید از منزل خارج شوند و در مراکز علمی و دینی پاسخ آن‌ها را بشنوند.	لزوم فعالیت علمی زنان برای پاسخ به شبهات	علم و دانش	فضائل
۱۸/۱۷۲/۳۰ تس	بنابراین مردها - اعم از همسر و پدر و برادر - در این گونه موارد حق ندارند ممانعت کنند و اگر جلوگیری کنند و خلاف شرعی پدید آید، آنان مسئول و معاقب هستند	ناروایی شرعی جلوگیری زنان از فعالیت در امور واجب	شرعیات و معنویات	فضائل
۳/۳۵۵/۱۷ تس	البته در امور اجرایی، کارها بین زن و مرد تقسیم‌شده و زن بر اثر ساختار مخصوص بدنی از برخی امور توان‌فرسا، مانند جهاد منع شده است؛ گر چه ممکن است زن در پشت جبهه حضور یابد و با خلوص بیشتری نیز فعالیت کند یا در متن جبهه نبرد به پرستاری یا طبابت و درمان بپردازد.	معافیت زنان از امور اجرایی طاقت‌فرسا	اجرائیات	مشاغل
۱۸/۴۹۴/۳۵ تس	استقلال زن و مرد در مراتب کسب و کوشش در مسائل مادی و در امور معنوی است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»؛	استقلال زن و مرد در کسب امور مادی و معنوی	اقتصاد	مشاغل

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	متن	کد
فضائل	خانواده	لزوم تفاوت قائل شدن بین نقش های زن و مرد در خانواده و در جامعه	آیا کناره گیری از بعضی پست های اجرایی نشانه نقص زنان است؟ بحث زن و مرد در جامعه غیر از بحث زن و مرد در خانواده است.	۱۸/۵۶۸/۳۹ تس
فضائل	ولایت	عدم قیومیت و ولایت مرد بر زن در جامعه	در جامعه مرد هیچ قیومیت و ولایتی بر زن ندارد	۱۸/۵۶۸/۴۰ تس
مشاغل	مرجعیت	جواز امامت جماعت و مرجعیت تقلید زنان برای صنف خود	چرا زن نتواند امام جماعت یا مرجع تقلید زنان باشد؟	۱۸/۵۶۹/۴۶ تس
مشاغل	رهبری و مدیریت	توانایی زنان در اداره امور صنفی خود	زنان نشان دادند که می توانند مراکزی ویژه بانوان تأسیس و اداره کنند؛ نظیر آموزشگاه، دانشگاه، درمانگاه و بیمارستان	۱۸/۵۶۹/۵۳ تس
مشاغل	نبوت	اختصاص رسالت به مردان	«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ الْأَرْجُلَ نوحى إِلَيْهِمْ»؛ «لَجَعَلْنَهُ رَجُلًا». کلمه «رجال» هم به خصوصیت بشری پیامبران الهی (علیهم السلام) نظر دارد؛ هم به ویژگی مرد بودن آنان.	۴۱/۴۹۳/۶۱ تس
مشاغل	قضاوت	وجود بحث و نظر در منع کلی زنان از قضاوت	وگرنه منع زن از قضا به نحو کلی، مورد بحث و نقد است	۲/۴۴۱/۱۳۰ سیج

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن	کد
فضائل	عقل و اندیشه	عدم مانعیت جنبه عاطفی زنان در تعدیل قوای عقلی و فکری آنان	لازم است توجه شود که جنبه عاطفی بودن زن ذاتاً مانع تعدیل قوای عقلی و فکری او نخواهد بود	زآ/۳۵۴/۱۹۶
فضائل	عاطفه و تربیت	غلبه جنبه عاطفی در زنان	سخن، نه از حجم مغز مرد بلکه از ظرفیت گرایش عاطفی زن است. زن زودتر می‌گیرد، زیرا دستگاه پذیرش او عاطفی‌تر است و این به معنای کمال مرد و نقصان زن نیست؛	اق/۲۳۹/۴
مشاغل	اجرائیات	عدم ممنوعیت تصدی امور اجرایی توسط زنان در امور مربوط به وکالت	تصدی امور اجرایی برای زن، نه تنها در کارهای کلان نمایندگان و وکالت محذوری ندارد،	سج ۱۳۷/۴۴۸/۲
فضائل	شرعیات و معنویات	تعلق خطابات قرآنی به انسانیت و موضوعیت نداشتن ذکورت و انوئت در آن	آنجا که خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه» این خطاب به انسانیت است و در انسانیت ذکورت و انوئت نقش ندارد.	زآ/۳۲۹/۱۸۵

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش به‌عنوان نتیجه‌گیری به کشف رابطه بین مضامین و نحوه سازمان‌دهی آن‌ها و همچنین بیان دیدگاه‌های اصلی در تبیین موضوعات خواهیم

پرداخت. با لحاظ این نکته که برخی از مضامین که به علت درهم تیدگی مفهومی، قابلیت طرح در یک عنوان داشتند به جهت رعایت اختصار، ادغام شدند.

الف) قضاوت

از شبهات موجود در جوامع اسلامی آن است که زنان امکان حضور در جایگاه قضاوت را ندارند و این امر یک موضوع مردانه است و دلالت بر تبعیض بین زن و مرد می‌کند. در آثار مختلف آیت‌الله جوادی آملی گزاره‌های مختلفی در رد این دیدگاه می‌توان یافت. ایشان با تفاوت قائل شدن بین امور اجرایی و غیر اجرایی، تصدی مناصب اجرایی را دلیل بر تفوق و کمال یک جنس ندانسته (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۴۱: ۴۹۳) و معتقدند کمالات انسانی به اموری همچون تقوا و فقاوت است که زن و مرد در آن یکسان‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳۹؛ همان، ۱۳۸۵، ۳: ۳۵۵). ضمن آنکه ممنوعیت حضور زنان در جایگاه قضاوت به علت تراحم در مقام اجرا با احکام دیگری همچون تماس با نامحرم و یا ایجاد مفسده اخلاقی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳۹). ایشان معتقد است در صورت از بین رفتن چنین محذوراتی، دلیلی برای منع زنان از این جایگاه وجود ندارد (همان) و اساساً حکم اولیه بر جواز مشارکت آنان در این عرصه دلالت خواهد داشت. ایشان با بررسی دقیق ادله منع زنان از منصب قضاوت، به ویژه روایات مورد استناد قائلان به منع مطلق زنان از قضاوت و اجماع ادعاشده در این مورد، ضمن مخدوش دانستن ادله اشتراط ذکوریت (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲: ۴۴۱) معتقدند نهایت چیزی که از روایات منع برمی‌آید برداشته شدن تکلیف قضاوت از دوش زنان از باب تسهیل است و نه حق قضاوت (جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ: ۳۵۰). همچنین ایشان به عدم وجود محذور شرعی برای قضاوت و شهادت زنان برای زنان در صورت دارا بودن تمام شرایط این دو منصب، تصریح می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲: ۴۴۲).

در نتیجه و با تطبیق دیدگاه ایشان با مضامین فراگیر استخراج شده در این

پژوهش، می‌توان چنین اظهار داشت که قضاوت در اصل یک شغل و منصب اجرایی مشترک بین زنان و مردان است. محدودیت زنان در این حوزه نه ناشی از فقدان شایستگی ذاتی، بلکه ناشی از ملاحظات بیرونی و محذورات شرعی در مقام اجراست؛ بنابراین، تنها در صورتی که دلیلی قطعی بر منع زنان یا محذور عملی و شرعی روشن در جامعه وجود داشته باشد، تصدی این منصب برای زنان ممنوع خواهد بود؛ در غیر این صورت، قضاوت امری اختصاصی برای مردان محسوب نمی‌شود بلکه حقی است که زنان نیز در شرایط مقتضی می‌توانند از آن برخوردار باشند.

ب) رسالت و ولایت

یکی دیگر از موضوعات مهمی که همواره محل طرح شبهه در میان جوامع اسلامی و حتی فضای اندیشه معاصر بوده، مسئله انحصار رسالت در مردان است. بدین معنا که چرا تمامی پیامبران الهی از مرد بوده‌اند و هیچ زنی در تاریخ ادیان الهی به منصب رسالت نرسیده است. تصریحی که در قرآن کریم نیز موجود است «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ» (انبیاء: ۷). این پرسش از دیرباز به‌عنوان یکی از مباحث حساس در حوزه تفاوت‌های جنسیتی مطرح بوده است. آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود با دقتی ویژه به این مسئله پرداخته و کوشیده‌اند با تبیین دو موضوع رسالت و ولایت پاسخی عمیق و چندلایه به این پرسش ارائه دهند.

ایشان رسالت را یک امر اجرایی (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۳: ۲۷ و ۶: ۴۷) دانسته که مستلزم فعالیت‌های بدنی فراوان، ارتباط با همگان، حضور در جنگ‌ها و شداید و... است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۶: ۵۰)؛ از این رو علت واسپاری امر رسالت به مردان تناسب با ساختمان بدنی آنان و مبتنی بر علل ذکر شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۳: ۳۵۵). از دیگر سو باطن رسالت و نبوت را امر ولایت در نظر گرفته‌اند که به علت نبود محذورات بیان‌شده مشترک بین زنان و مردان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ت: ۸۴؛ همان، ۱۳۸۵، ۳: ۳۵۵؛ همان،

۱۳۸۸ الف، ۲۷/۳؛ در نتیجه آنچه عنصرِ قوام است امر ولایت بوده که بازگشت رسالت به آن است و زن و مرد در آن مشترک‌اند. همچنین در نظرگاه ایشان به علتِ اصل بودن امر ولایت، حضور مردان در مناصب اجرایی موجب فضل آنان و یا عدم حضور زنان در این جایگاه موجب نقص ایشان نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۴۱: ۴۹۳).

نکته دیگر که درخور توجه است تقسیم امر نبوت به نبوت انبایی و تشریعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۲۷:۳؛ همان، ۱۳۸۸ پ: ۱۶۷). نبوت تشریعی همان امر رسالت است که مختص مردان بوده و زنان از آن محروم‌اند؛ اما در مقابل نبوت انبایی به معنای ارتباط با پروردگار از طریق وحی، چون منصب اجرایی نیست، مشترک بین زن و مرد بوده (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۳: ۴۱۱) و والاترین مصداق آن، صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها است. همچنین امکان ولایت زنان بر ایتام و صغار در صورت نبودن ولی شرعی یا امکان ولایت بر رقبات وقف نیز در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مجاز است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۵۶۹؛ همان، ۱۳۸۶، ۲: ۴۴۸).

در نهایت، می‌توان گفت که از منظر آیت‌الله جوادی آملی، رسالت تشریعی به دلیل ماهیت اجرایی خود در زمره مشاغل قرار گرفته و به مردان اختصاص یافته است؛ اما ولایت و نبوت انبایی در ردیف فضائل به شمار می‌آیند که زن و مرد در آنها مشترک بوده و محدودیت جنسیتی در دستیابی به آنها وجود ندارد. بدین ترتیب، حضور مردان در مناصب اجرایی رسالت هرگز به معنای فضل ذاتی ایشان بر زنان نیست و در مقابل، عدم حضور زنان در این جایگاه نیز به معنای نقص آنان نخواهد بود؛ بلکه معیار حقیقی کمال، همان ولایت الهی است که زن و مرد به یکسان در مسیر آن گام برمی‌دارند.

ج) فقاہت و مرجعیت

یکی از دیگر مواردی که همواره به‌عنوان مصداقی از تفاوت حقوقی و منزلتی میان زنان و مردان مطرح شده، موضوع مرجعیت و فقاہت است. به‌ویژه اینکه

در تاریخ فقه شیعه، مرجعیت عموماً به مردان اختصاص یافته و همین امر سبب شده برخی آن را نشانه‌ای از تفاوت دیدگاه اسلام درباره زنان و مردان بدانند. آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود به این بحث ورود کرده و با ارائه تفکیکی دقیق میان دو مقام «فقاہت» و «مرجعیت»، دیدگاهی متفاوت و نوآورانه عرضه می‌کنند.

ایشان با تفکیک مقام مرجعیت و فقاہت معتقدند مرجعیت به علت امر اجرایی بودن جزء مشاغل محسوب شده و به مردان اختصاص یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ، ۴۰۳؛ همان، ۱۳۸۵، ۳: ۳۵۵)؛ درحالی که همان‌طور که ولایت پشتوانه امر رسالت است، فقاہت نیز پشتوانه امر مرجعیت و مشترک بین زنان و مردان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ، ۴۰۳). همچنین آنچه مایه کمال بوده نه یک امر اجرایی (مرجعیت)، بلکه ملکه فقاہت است که در آن زن و مرد مشترک‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، سوره ق، ۳۶۸). ضمن اینکه ایشان معتقدند زنان می‌توانند مرجعیت دیگر زنان را به عهده بگیرند؛ و ممنوعیت مرجعیت آنان برای مردان به علت تماس و ارتباط با نامحرم و وجود محذوره‌های شرعی است که در صورت منتفی شدن چنین محذوراتی، جواز مرجعیت زنان برای مردان نیز خالی از قوت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲: ۴۴۲؛ همان، ۱۳۸۸ پ، ۴۰۳). در دیدگاه ایشان در صورت نبودن محذور جانبی دلیل اصیلی برای ممنوعیت زنان از مقام مرجعیت وجود ندارد (همان). این موضع، دیدگاه ایشان را از بسیاری دیگر از فقها متمایز می‌سازد و نشان می‌دهد که از منظر ایشان، فضیلت و کمال حقیقی در فقاہت است که عرصه‌ای مشترک برای زنان و مردان به شمار می‌آید، درحالی که مرجعیت، تنها یک منصب اجرایی است که به‌طور معمول به مردان واگذار شده است.

د) امور اجرایی

یکی از محورهای مهم در بحث نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در باب اشتغال، مسئله امور اجرایی است؛ یعنی نقش‌آفرینی در عرصه‌هایی که جنبه

عملی، اجتماعی و مدیریتی دارند. بسیاری از شبهات مطرح در جامعه، ناشی از این باور است که چون برخی مشاغل اجرایی به مردان اختصاص داده شده، پس زنان در این حوزه‌ها به‌طورکلی محروم و از جایگاه پایین‌تری برخوردارند. آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود با تحلیل دقیق این مسئله، تصویری روشن‌تر و جامع‌تر ارائه کرده‌اند.

ایشان با یک تقسیم منطقی امور اجرایی را به امور مختص به مردان، امور مشترک بین زن و مرد و امور مختص به زنان تقسیم کرده‌اند؛ و حضور زنان در مورد اول را ممنوع دانسته است. دلیل این ممنوعیت و اختصاص این‌گونه مشاغل به مردان، وجود مسئولیت‌های سنگین و طاقت‌فرسا است که نیازمند توان جسمی و روحی ویژه‌ای است، مانند حضور در جبهه‌های جنگ یا مناصبی که مستلزم ارتباط گسترده با اقشار گوناگون جامعه است. این تقسیم‌بندی نه به معنای نقص زنان، بلکه نتیجه تناسب نقش‌ها با ساختمان بدنی و شرایط اجتماعی ایشان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱: ۲۱۵).

در مقابل، در دسته دوم یعنی امور اجرایی مربوط به زنان، حضور بانوان نه تنها جایز، بلکه از نظر آیت‌الله جوادی آملی اولی و افضل است. به بیان دیگر، در مواردی که موضوعات و مسئولیت‌ها به‌طور طبیعی با جنس زن تناسب بیشتری دارند، باید این مناصب به خود زنان سپرده شود. حتی اگر حضور مردان در چنین عرصه‌هایی مستلزم انجام فعل حرام یا اختلاط با نامحرم باشد، آن حضور ممنوع خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، پ: ۱۹۴). همچنین حضور زنان در محیط‌ها و مشاغلی که به‌منزله تحصیل مقدمات واجب در امور اختصاصی آنان بوده، ضروری و لازم است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۵۶۹)؛ اما در دسته سوم و امور مشترک بین زن و مرد، به علت کار اجرایی بودن (جوادی آملی، ۱۳۸۸، پ: ۴۰۳) و تقسیم وظایف بر اساس ساختمان بدنی، شرایط روانی و اجتماعی (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۶: ۵۰) و همچنین لزوم عدم اختلاط و انجام فعل حرام (جوادی آملی، ۱۳۸۸، پ: ۱۹۴) و معافیت زنان از امور اجرایی طاقت‌فرسا (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۳: ۳۵۵) اولویت با مردان است. درحالی که طبق نظر

ایشان اگر بستر ستر و عفاف در سطح جامعه گسترده باشد، حضور زنان در مناصب اجرایی مشترک بین زن و مرد، مانع شرعی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۵۶۹).

در تطبیق با مضامین فراگیر باید گفت نگاه آیت‌الله جوادی آملی نه نفی مطلق حضور زنان در امور اجرایی است و نه تأیید بی‌قید و شرط آن. بلکه ایشان با تقسیم‌بندی منطقی و تکیه بر حکمت الهی، تأکید می‌کنند که حضور زنان در امور اجرایی مردانه ممنوع است، در حالی که در امور مختص به زنان یا امور مشترک، زنان دارای حق مشارکت‌اند و در برخی موارد حتی اولویت با آنان است. این دیدگاه ضمن آنکه نشان می‌دهد زنان در حوزه‌های اجرایی به‌طور مطلق محروم نیستند، نگاهی متوازن ارائه می‌دهد که هم متناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی زن و مرد است و هم در چارچوب ملاحظات شرعی و اخلاقی معنا پیدا می‌کند.

۵) علم و دانش

از دیگر عرصه‌هایی که می‌تواند تصور نابرابری میان زن و مرد را در اذهان ایجاد کند، موضوع تحصیل علم و دانش است. برخی به دلیل برداشت‌های محدودکننده از متون دینی یا بر اساس شرایط اجتماعی خاص، بر این باور بوده‌اند که علم‌آموزی بیشتر به مردان تعلق دارد و زنان در این زمینه یا نیازی ندارند یا سهم کمتری دارند. آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود، با استناد به مبانی قرآنی و روایی، به‌روشنی این نگرش را نقد کرده و بر حق برابر زنان در بهره‌مندی از علم تأکید می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۱۷۲).

ایشان در گامی فراتر، بر ضرورت خودکفایی زنان در حوزه‌های علمی و تخصصی مرتبط با جنس خودشان تأکید می‌کنند. ایشان معتقدند در عرصه‌هایی همچون پزشکی، آموزش و تربیت، اگر زنان به‌اندازه کافی دانش و تخصص نداشته باشند، جامعه دچار آسیب خواهد شد و حتی ممکن است حضور مردان در این عرصه‌ها منجر به فعل حرام یا اختلاط نامشروع شود؛ بنابراین، فراهم کردن

زمینه تحصیل برای زنان در این عرصه‌ها نه تنها مجاز بلکه یک ضرورت شرعی و اجتماعی است (همان: ۲۶۷). همچنین تحقق کامل حدیث فریضه علم با فراهم کردن زمینه تحصیل بانوان (همان) از جمله نکاتی است که نشان از اهمیت علم‌آموزی زنان در جوامع اسلامی دارد.

نتیجه اینکه، در نگاه آیت‌الله جوادی آملی، علم و دانش در زمره فضائل قرار دارد و زن و مرد در بهره‌مندی از آن کاملاً برابرند. بلکه در موارد متعددی، فراگیری علم برای زنان از سطح یک حق فراتر رفته و به سطح یک ضرورت شرعی و اجتماعی ارتقا پیدا می‌کند. این رویکرد نه تنها شبیه نابرابری را برطرف می‌سازد، بلکه نشان می‌دهد که اسلام در حقیقت بستر بسیار گسترده‌ای برای رشد علمی زنان فراهم کرده و آنان را همپای مردان به حضور فعال در عرصه‌های علمی فراخوانده است.

و) اقتصاد

یکی دیگر از عرصه‌هایی که همواره در بحث تفاوت‌های زن و مرد محل تأمل بوده، مسائل اقتصادی است. گاه این تصور وجود داشته که زنان از استقلال اقتصادی کافی برخوردار نیستند و در بهره‌مندی از حقوق مالی و معیشتی، جایگاهی فروتر از مردان دارند. همین ذهنیت، مبنای بسیاری از شبهات در زمینه نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان قرار گرفته است. آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود، با استناد به آیات قرآن کریم و مبانی فقهی، تلاش کرده‌اند این شبهات را برطرف ساخته و تصویری روشن و متوازن از جایگاه اقتصادی زن ارائه دهند. آیت‌الله جوادی آملی با تبیین کوتاهی از موضوعات اقتصادی با استناد به برخی آیات قرآن کریم (نساء: ۳۲) دسترنج افراد اعم از زن و مرد را متعلق به خودشان می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۲۲۴). بر این اساس، هر انسانی - اعم از زن یا مرد - مالک حقیقی دسترنج و درآمد حاصل از تلاش‌های مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند در آن تصرفی داشته باشد. همچنین ایشان قائل به استقلال این دو در امورات مربوط به کسب‌وکار است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱: ۵۰۳)

بلکه یک گام فراتر رفته و برای این دو موجود حق مساوی در بهره‌مندی از نعمات مادی دنیا قائل شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۲۲۴). این استقلال به معنای آن است که زنان، همانند مردان، حق دارند آزادانه در عرصه‌های اقتصادی وارد شوند، کار کنند، درآمد کسب نمایند و از نتایج تلاش‌های خود بهره‌مند شوند.

نتیجه آنکه در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، امور اقتصادی در زمره مشاغل قرار می‌گیرد، اما با این توضیح که زنان و مردان در دسترسی به این عرصه‌ها و بهره‌مندی از حقوق مالی کاملاً برابرند. این برابری، نه تنها از حیث مالکیت و تصرف در اموال بلکه از حیث حق ورود به بازار کار و فعالیت اقتصادی نیز به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین برخلاف برخی تصورات نادرست، در نگاه ایشان هیچ‌گونه برتری ذاتی برای مردان در عرصه اقتصاد وجود ندارد و هر دو جنس، فرصت و امکان برابر برای فعالیت و بهره‌برداری دارند.

ز) امور شرعی و معنوی

پرداخت به موضوعات شرعی و معنوی از این حیث اهمیت دارد که برخی نگرش‌ها بر این باور بوده‌اند که زنان به دلیل ویژگی‌های عاطفی یا محدودیت‌های جسمی، از مرتبه‌ای فروتر در سلوک عبادی و معنوی برخوردارند. این دیدگاه گاه به‌عنوان شاهی بر نابرابری حقوقی و منزلتی میان زن و مرد معرفی شده است. آیت‌الله جوادی آملی با تبیینی دقیق معتقد است در آنچه مایه کمال انسان است، فرقی بین زن و مرد نیست و آنچه بین زن و مرد فرق است، مایه کمال نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ: ۲۱۵). این تبیین نشان‌دهنده آن است که تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان در موضوعات مختلف مربوط به ساختار بدنی آنان و منحصر در دنیای مادی است و در کمالات حقیقی و اصلی همانند تقوا، ایمان، علم و معنویت که متعلق به روح آدمی است، زن و مرد دارای اشتراک‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۵۷۰). در بیانی بالاتر ایشان معتقدند زنان در مقام نیایش و مناجات با خداوند برتر بوده و امکان رسیدن به کمال از این بابت برای آنان فراهم‌تر است

(جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ: ۲۱۵): همچنین در اختصاص ادعیه و مناجات و تعلق احکام و خطابات قرآنی از جانب شارع نیز تفاوتی بین زن و مرد وجود نداشته و هر دو به فراخور، مورد خطاب‌اند (همان).

بر این اساس، در تطبیق با مضامین فراگیر، روشن می‌شود که شرعیات و معنویات در زمره فضائل قرار می‌گیرد؛ یعنی حوزه‌ای که حقیقتاً ملاک کمال و برتری انسان محسوب می‌شود و زن و مرد در آن مشترک‌اند. تفاوت‌های موجود میان این دو جنس در سایر عرصه‌ها، هرگز بر منزلت معنوی و ارزش روحانی آنان تأثیر نمی‌گذارد بلکه چه‌بسا در برخی زمینه‌ها زنان با سهولت بیشتری به مراتب بالای معنوی دست یابند و از این منظر بر مردان برتری یابند.

ح) اجتماع

یکی دیگر از زمینه‌هایی که همواره محل بحث درباره نقش زنان و جایگاه اجتماعی آنان بوده، حوزه اجتماع و جامعه است. در بسیاری از نگاه‌های سنتی، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی یا محدود دانسته شده یا دست کم اهمیت آن کمتر از مردان تصور گردیده است. این نوع برداشت‌ها موجب شکل‌گیری شبهه‌ای جدی در باب نابرابری حقوقی و منزلتی میان زن و مرد در سطح اجتماع شده است. آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود با رد این برداشت، بر ماهیت اجتماعی دین اسلام و لزوم مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی تأکید دارند. ایشان با تفاوت قائل شدن بین نقش زن و مرد در جامعه و خانه (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۵۶۸)، معتقد است اسلام یک دین اجتماعی است (همان: ۵۶۹)؛ و دستورات اجتماعی آنچه به صورت واجب و چه به صورت مستحبی بر زنان لازم است (همان). ایشان قائل به نقش حیاتی زنان در دفاع مقدس و جواز حضور زنان در میدان‌های جنگی بوده (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۳۴: ۴۹۶) و بسترسازی قانونی برای انجام وظایف اجتماعی زنان را لازم می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۱۷۲). همچنین توانایی زنان در اداره و رهبری جامعه صنفی خود را امری اثبات‌شده دانسته (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸: ۵۶۹) و معتقدند در حالت عادی

تصدی جایگاه مدیریت زنان توسط مردان ممنوع بوده و باید این امور به خود آنان واگذار شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸ پ: ۴۰۳).

درنهایت، با تطبیق این دیدگاه‌ها با مضامین فراگیر، روشن می‌شود که امور اجتماعی نیز در شمار فضائل قرار دارند و در حقیقت معیار کمال انسان محسوب می‌شوند. زن و مرد در این عرصه‌ها یکسان‌اند و تفاوتی میان آن‌ها از حیث منزلت و حقوق وجود ندارد. به بیان دیگر، اگرچه تقسیم وظایف در برخی عرصه‌های اجرایی بر اساس ملاحظات جسمی یا اجتماعی صورت گرفته است؛ اما در حوزه اجتماع و جامعه، زنان همانند مردان حق دارند نقش آفرینی کنند و هیچ محرومیت ذاتی در این زمینه متوجه آنان نیست.

نتیجه‌گیری

آیت‌الله جوادی آملی در تحلیل مسئله نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال، بر تفکیک میان دو عرصه امور اجرایی و فضائل و کمالات تأکید بنیادین دارند. بر اساس ۲۲۲ مضمون پایه و ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده در آثار ایشان، این پژوهش به دو مضمون فراگیر «مشاغل» و «فضائل» در حوزه اشتغال زنان دست‌یافت. این دسته‌بندی، چهارچوبی روشن برای فهم جایگاه زن و مرد در حوزه‌های مختلف اجتماعی و معنوی فراهم آورد.

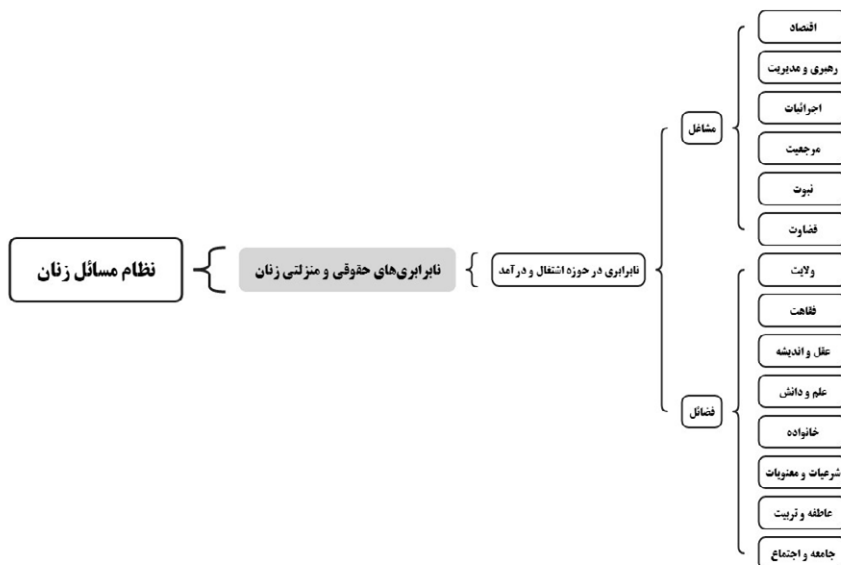
در این چهارچوب، معیار حقیقی تمایز میان انسان‌ها در کمالات روحی و معنوی است؛ معیارهایی همچون تقوا، علم، فقاہت و معنویت که به روح انسانی بازمی‌گردند و روح موجودی مجرد و غیرقابل تفکیک به لحاظ جنسیت است؛ از این رو، زن و مرد در تمامی ملاکات حقیقی تمایز یکسان‌اند و هیچ تفاوت ذاتی در توانایی یا منزلت میان آنان وجود ندارد. در مقابل، آنچه به عنوان تفاوت در برخی مناصب یا وظایف مشاهده می‌شود، صرفاً ناشی از اقتضائات زندگی دنیوی، شرایط جسمانی و اجتماعی است و به هیچ‌وجه به معنای تبعیض یا نقصان ذاتی زنان در برابر مردان نیست.

بر این اساس، فضائل اموری مشترک میان زن و مرد و دارای حقیقت واحدند،

درحالی که مشاغل اگرچه در بسیاری موارد میان دو جنس مشترک‌اند، اما در برخی عرصه‌ها به دلیل مصالح خاص و ضرورت‌های اجتماعی به یکی از آن‌ها اختصاص یافته‌اند. در نتیجه، تفاوت در تصدی برخی مشاغل نشانه برتری یا کاستی نیست بلکه باید آن را در پرتو تقسیم وظایف اجتماعی و سازگاری با حکمت الهی تفسیر کرد.

تمایزات مشاهده شده در حوزه اشتغال زنان و مردان، در حقیقت بیانگر نوعی تقسیم کار اجتماعی بر پایه حکمت الهی است و نه دلیلی بر نابرابری منزلتی یا حقوقی. آنچه معیار واقعی و پایدار در ارزش‌گذاری انسان‌هاست، همان فضائل و کمالات روحی است که زن و مرد در دستیابی به آن‌ها مساوی‌اند. برداشت‌های رایج درباره محرومیت زنان از برخی مناصب، بیش از آنکه ریشه در تبعیض داشته باشد، ناشی از خلط میان مشاغل اجرایی و فضائل حقیقی است. شبکه مضامین مرتبط با تحلیل نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان با توجه به برخی محدودیت‌های ارائه نمودار، از قرار زیر است:

نمودار شماره ۲: شبکه مضامین مرتبط با تحلیل نابرابری‌های حقوقی و منزلتی زنان در حوزه اشتغال



منابع

*قرآن کریم.

- احمد، لیلیا، (۱۳۹۴)، *زنان و جنسیت در اسلام: ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*، (فاطمه صادقی، مترجم)، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- احمدی بیغش، خدیجه. (۱۳۹۸). ارزیابی جایگاه حقوقی زن در کنوانسیون‌های بین‌المللی بر اساس تفسیر تسنیم. *مطالعات تفسیر تطبیقی*. ۵ (۹)، صص ۵۵-۸۴.
- آذرطوس، سیده عالیه. (۱۳۹۸). سعادت زن در قرآن با تکیه بر نظر آیت‌الله جوادی آملی. *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*. ۳ (۹)، صص ۶۳-۷۸.
- افضلی شیخی، لیلیا. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل کلامی جایگاه زن از دیدگاه جوادی آملی و محمد غزالی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- امینی، زهره سادات. (۱۳۹۷). سرشت زن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، نتایج و پیامدهای آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه الهیات و معارف اسلامی هدی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق)، *الجامع المسند الصحيح*، بیروت: دار طوق النجاة
- براریان مرزونی، رقیه. (۱۳۹۵). شخصیت‌شناسی زن با رویکرد تطبیقی در تفسیر مخزن العرفان و تسنیم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران، بابلسر.
- براریان، رقیه. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی نشوز زن با تکیه بر آیه ۳۴ نساء با نگاه تفسیری بانو امین اصفهانی و آیت‌الله جوادی آملی. *فصلنامه مطالعات تفسیری*. ۱۰ (۴۰)، صص ۱۰۲-۱۳۱.
- الجوری، ماهر علی حسین. (۱۴۰۱). *مسائل زنان، بینشی قرآنی در پرتو دیدگاه آیت‌الله شیخ جوادی آملی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ادیان و مذاهب قم.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵). تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ الف). تفسیر موضوعی، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ ب). حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ پ). زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ ت). نسیم اندیشه. قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۰). *ادب قضا در اسلام*. قم: مرکز نشر اسراء
- حیدری راد، طیبه. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی شهادت زنان با استناد به آیه ۲۸۲ بقره از دیدگاه مولفان لیدن و تسنیم. *مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث*. ۳ (۲)، صص ۱۵۴-۱۸۲.
- خانی، زهرا. (۱۳۹۹). مبانی هرمنوتیکی در تفسیر آیات زنان موردپژوهی آیت‌الله جوادی آملی و اسما بارلاس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران.
- خانی، زهرا. (۱۴۰۱). «امکان‌سنجی معرفت‌شناسی فمینیستی در نظام معرفت‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی». *حکمت اسراء*. ۴ (۱۰)، صص ۱۶۳-۱۷۸.
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۲). گستره شریعت. تهران: دفتر نشر معارف.
- درخشه، جلال: اعتمادی، اصغر؛ ردادی، محسن. (۱۳۹۴). «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای». *جستارهای سیاسی*. شماره ۳، صص ۳۰-۴۶.

دیانی دردشتی، زهرا، حسینی میرصفی، سیده فاطمه. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی و سید قطب». *مطالعات تفسیر تطبیقی*. شماره ۷. صص ۷۹-۱-۹.

سیوطی، جلال‌الدین. (بی‌تا). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. بیروت: دارالفکر.
صفریان مقدم، مریم. (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی تربیت زن از دیدگاه روسو و علامه جوادی آملی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد تهران.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». *اندیشه مدیریت راهبردی*. شماره ۵. صص ۱۵۱-۱۹۸.

عسلی نژاد، زینب. (۱۴۰۱). *تحلیل و بررسی جایگاه زن در خانواده و اجتماع از منظر علامه جوادی آملی و سید قطب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی سهند تبریز.
عیسی زاده، رقیه. (۱۳۹۵). *مقایسه‌ی آرای آیت‌الله جوادی آملی با آموزه‌های تفسیر نمونه در خصوص جایگاه زن در اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.
لیندلف، تامس؛ تیلور، برایان. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: همشهری.

مجتهد شیستری، محمد. (۱۳۷۴). «متون دینی و هرمنوتیک». *نقد و نظر*. شماره ۲. صص ۲۶-۱۲.
مرنیسی، فاطمه. (۱۳۷۰). *زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن پوش*. ترجمه ملیحه مغازه‌ای. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

مطهری، مرتضی. (بی‌تا). *وحی و نبوت*. قم: صدرا.
نرمانی، کبری. (۱۳۹۷). *مطالعه مقایسه‌ای نظام شخصیتی زن از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله جوادی آملی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

هاشمی نسب، آمنه سادات. (۱۴۰۱). *نقش حقوقی زن در تعالی خانواده از منظر علامه طباطبایی (ره) و آیت‌الله جوادی آملی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مازندران، بهشهر.

Barlas, Asma. (2002). *Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur'an*. University of Texas Press.

-King, Nigel. & Horrocks, Christine. (2010). *Interviews in qualitative research*, London: Sage.

References

The Holy Qur'ān

- ‘Ābedī Ja’farī, Hasan et al. (1390 SH/2011). “Tahlīl-e Maḍmūn va Shabakeh-ye Maḍāmīn: Raveshī Sādeh va Kārāmād barā-ye Tabyīn-e Olgūhā-ye Mawjūd dar Dādehā-ye Keyfī.” *Andīsheh-ye Mudīriyyat-e Rāhbordī*, no. 5, pp. 151–198.
- Afzalī Sheykhī, Laylā. (1399 SH/2020). Barresi va Tahlīl-e Kalāmī-ye Jāyigāh-e Zan az Dīdgāh-e Javādī Amolī va Muḥammad Ghazālī. Master’s thesis, University of Sīstān and Baluchestān, Zahedan.
- Aḥmad, Laylā. (1394 SH/2015). Zanān va Jinsīyyat dar Islām: Rīshehā-e Tārīkhī-e Jīdāl-e Im-rūzī. Translator: Fatimeh Šādīqī. Tehran: Nīgāh-e Mu’āšir Publications.
- Aḥmadī Beyqash, Khadijeh. (1398 SH/2019). “Arzyābī-ye Jāyigāh-e Ḥuqūqī-e Zan dar Kon-vansīonhā-e Baynal Milalī bar Asās-e Tafsīr-e Tasnīm.” *Motālī’āt-e Tafsīr-e Taṭbīqī*, 5(9), pp. 55–84.
- al-Jubūrī, Māhir ‘Alī Husayn. (1401 SH/2022). Masā’il al-Nisā’: Bīnīshī Qur’ānī dar Partow-e Dīdgāh-e Ayatollah Shaykh Javādī Amolī. Master’s thesis, University of Religions and Denominations, Qom.
- Amīnī, Zohreh Sādāt. (1397 SH/2018). Sheresht-e Zan az Dīdgāh-e Ayatollah Javādī Amolī: Natāyīj va Payāmad-hā. Master’s thesis, Hoda University of Theology and Islamic Studies, Qom.
- ‘Asalī Nejad, Zaynab. (1401 SH/2022). Tahlīl va Barresī-ye Jāyigāh-e Zan dar Khānūvādeh va Ijtīmā’ az Manzar-e Ayatollah Javādī Amolī va Sayyid Quṭb. Master’s thesis, Sahand University of Technology, Tabriz.
- Āzartūs, Seyyedeḥ ‘Āliyeh. (1398 SH/2019). “Sa’ādat-e Zan dar Qur’ān bā Takveh bar Nazar-e Ayatollah Javādī Amolī.” *Motālī’āt-e Tarbiyatī va Ijtīmā’ī-ye Qur’ān va ‘Itrat*, 3(9), pp. 63–78.
- Barārīān Marzūnī, Ruqayeh. (1395 SH/2016). Shakhshīyyat-shināsī-ye Zan bā Rūvikard-e Taṭbīqī dar Tafsīr-e Makhzan al-‘Irfān va Tasnīm. Master’s thesis, University of Mazandaran, Babolsar.
- Barārīān, Raqīyeh. (1398 SH/2019). “Motālī’eh-ye Taṭbīqī-ye Noshūz-e Zan bā Takveh bar Āyeh 34 al-Nisā’ bā Nīgāh-e Tafsīrī-ye Bānū Amīn-e Iṣfahānī va Ayatollah Javādī Amolī.” *Motālī’āt-e Tafsīrī Quarterly Journal*, 10(40), pp. 102–131.
- Barlas, Asma. (2002). *Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur’an*. University of Texas Press.
- Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā’īl. (1422 AH/2001). *al-Jāmi’ al-Musnad al-Šāḥīḥ*. Beirut: Dār Ṭawq al-Najāh.
- Derakhshah, Jalāl; I’timādī, Asghar; Radādī, Moḥsen. (1394 SH/2015). “Tahlīl-e Mazmūnī-ye I’timād dar Andīsheh-ye Ayatollah Khamenei.” *Joštārḥā-ye Siyāsī*, no. 3, pp. 30–46.
- Diyānī Dardashtī, Zahra; Husaynī Mīrṣafī, Seyyedeḥ Fatimeh. (1398 SH/2019). “Barresi-ye Taṭbīqī-e Ishtighāl-e Zanān bar Mabnā-ye Āyāt-e Qur’ān bā Tākīd bar Ārā-ye Ayatollah Javādī Amolī va Sayyid Quṭb.” *Motālī’āt-e Tafsīr-e Taṭbīqī*, no. 7, pp. 79–109.
- Hashimī Nasab, Ameneh Sādāt. (1401 SH/2022). Naqsh-e Ḥuqūqī-ye Zan dar Ta’ālī-e Khānūvādeh az Manzar-e ‘Allāmeḥ Ṭabāṭabā’ī va Ayatollah Javādī Amolī. Master’s thesis. Payame Noor University of Mazandaran, Behshahr.
- Ḥaydarī Rād, Ṭayyebeh. (1400 SH/2021). “Barresi-ye Taṭbīqī-ye Shahādāt-e Zanān bā Istinād be Āyeh 282 al-Baqareh az Dīdgāh-e Mū’allifān-e Leiden va Tasnīm.” *Motālī’āt-e Taṭbīqī-ye Qur’ān va Ḥadīth*, 3(2), pp. 154–182.
- ‘Isazadeh, Ruqayeh. (1395 SH/2016). Moqāyiseh-ye Ārā-ye Ayatollah Javādī Amolī bā Āmūze-

- hā-ye Tafsīr-e Nemūneh dar Bāb-e Jāyigāh-e Zan dar Islam. Master's thesis. University of Mazandaran.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1385a SH/2006). Tasnīm. Qom: Markaz Isrā' Press.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1386 SH/2007). Sarchishmeh-ye Andīsheh. Qom: Markaz Isrā' Press.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1388a SH/2009). Tafsīr-e Mowḍū'ī. Qom: Markaz Isrā' Press.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1388b SH/2009). Haqq va Taklīf dar Islām. Qom: Markaz Isrā' Press.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1388c SH/2009). Zan dar Āyeneh-ye Jalāl va Jamāl. Qom: Markaz Isrā' Press.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1388d SH/2009). Nasīm-e Andīsheh. Qom: Markaz Isrā' Press.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1390 SH/2011). Adab-e Qaḍā dar Islam. Qom: Markaz Isrā' Press.
- Khānī, Zahra. (1399 SH/2020). Mabānī-ye Hermeneutikī dar Tafsīr-e Āyāt-e Zanān: Mowrid-pazhūhī-ye Ayatollah Javadi Amoli va Asma Barlas. Master's thesis. University of Religions and Denominations, Tehran.
- Khānī, Zahra. (1401 SH/2022). "Imkān-sanjī-ye Ma'rifat-shināsī-ye Feministī dar Nizām-e Ma'rifat-shināsī-ye Ayatollah Javadi Amoli." *Hikmat-e Isrā'*, 4(10), pp. 163–178.
- Khosrowpanah, 'AbdulḤusayn. (1382 SH/2003). Goštareh-ye Sharī'at. Tehran: Daftar-e Nashr-e Ma'ārif.
- King, Nigel. & Horrocks, Christine. (2010). Interviews in Qualitative Research. London: Sage.
- Lindlof, Thomas; Taylor, Brian. (1388 SH/2009). Ravesh-hā-ye Taḥqīq-e Keyfī dar 'Ulūm-e Irtibāṭāt. Translator: 'Abdullāh Givīyān. Tehran: Hamshahrī.
- Mernissi, Fatimeh. (1370 SH/1991). Zanān-e Parde-neshīn va Nokhbīgān-e Joshan-pūsh. Translator: Maliheh, Moghazehei. Tehran: Roshangaran and Women's Studies Publishing House.
- Mutahhari, Morteza. (n.d.). Waḥy va Nubuwwat. Qom: Ṣadrā.
- Mujtahid Shabeštārī, Muḥammad. (1374 SH/1995). "Mutūn-e Dīnī va Hermeneutik." *Naqd va Nazar*, no. 2, pp. 12–26.
- Narmanī, Kubra. (1397 SH/2018). Moṭālī'eh-ye Muqāyese'ī-ye Nizām-e Shakhsīyyat-e Zan az Dīdgāh-e Ayatollah Khamenei va Ayatollah Javadi Amoli. Master's thesis, Shiraz University, Shiraz.
- Şafaryān Muqaddam, Maryam. (1396 SH/2017). Barresi-ye Taṭbīqī-ye Tarbiyat-e Zan az Dīdgāh-e Rousseau va Allameh Javadi Amoli. Master's thesis, Shahed University, Tehran.
- Suyūfī, Jalāl al-Dīn. (n.d.). al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi-l-Māthūr. Beirut: Dār al-Fikr.

| Extended Abstract |

An Analysis of Legal and Status Inequality in Women's Employment from the Perspective of Ayatollah Javadi Amoli

Mahmoud Karimi Benadkooki , Hasan Akhbari , Mehdi Hamzehpoor

Research Objective: The aim of this study is to examine the hypothesis of legal and status inequality between women and men in the sphere of employment. The emergence of this hypothesis is largely attributed to an inadequate understanding of the respective positions of women and men, as well as their assigned duties and roles within the order of existence. Taking the views of Ayatollah Javadi Amoli as its primary framework—an influential contemporary theologian who adopts a maximalist view of religion—this research thoroughly examines the underlying assumptions of inequality and provides responses to each of them. In doing so, it seeks to clarify the Islamic perspective regarding the roles and responsibilities of women and men, address the assumption of inequality between them, and demonstrate the principle of their shared rights in the field of employment.

Research Methodology: To achieve its objectives, this research employs the method of thematic analysis. This method facilitates a clearer reading of texts, enables appropriate interpretation of apparently unrelated information, supports qualitative data analysis, and allows for the systematic observation of individuals, organizations, or groups while also enabling the transformation of qualitative data into quantitative forms. It is a method used both to describe realities and to explain them. For this purpose, and in order to apply this method, a list of women's issues—compiled based on the framework provided by the Supreme Council of the Cultural Revolution—was used. This list includes thirty-one topics related to women. One of the issues identified in this list concerns the legal and status inequalities of women in the field of employment. The framework derived from the women's issues system regarding legal and status inequalities in employment was adopted as the analytical framework for the thematic analysis process, and the relevant basic themes were coded accordingly. Through repeated examination and interpretation of the basic themes, organizing themes were identified. Further detailed analysis and comprehensive study of these organizing themes led to the formation of overarching themes. Finally, by analyzing the network of themes, the thematic analysis process was completed, and the findings of the research were presented in the form of thematic network analyses and diagrams.

Findings: After repeated examination of the author's writings relevant to the subject, and through the segmentation and analysis of the text, 222 basic themes—the smallest meaningful units related to the research topic—were identified and coded. Subsequently, the extracted basic themes were grouped based on conceptual and thematic relationships into related categories. This classification resulted in the identification and categorization of fourteen organizing themes. These themes include: judgment,

prophethood and messengership, religious authority, jurisprudence, executive functions, reason and thought, family, leadership and management, economy, religious and spiritual matters, emotion and upbringing, knowledge and learning, and society. In the final stage, the organizing themes were examined at a higher level of abstraction in order to form overarching themes. At this stage, all organizing themes were subsumed under two comprehensive and key themes: “tasks” and “virtues.” These two overarching themes constitute the main analytical structure of the article, and the thematic network was designed on the basis of these two categories.

Conclusion: The analysis of the thematic network within the works of Ayatollah Javadi Amoli indicates that, in his view, what distinguishes individuals is the set of perfections related to the soul, which are shared equally by women and men. In this study, these are referred to under the overarching theme of “virtues.” Meanwhile, the factors that have been assumed to produce inequality between women and men relate instead to the requirements of worldly life and correspond to divine wisdom aimed at ensuring the proper functioning of life in this world. These factors do not entail legal or status inequality between the two and are categorized in this research under the overarching theme of “tasks” Accordingly, women and men not only share the capacity to attain true human perfections but also possess shared rights in many matters related to employment.

Keywords: Legal and status inequalities; Women’s rights; Gender segregation; Women’s employment; Ayatollah Javadi Amoli